

طوفان الاقصی بر اساس نظریه موازنه قدرت در نظام بین الملل

حجت حدیدی



دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای شمالی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

آنچه در این یادداشت مورد بحث قرار میگیرد، مسئله عملیات طوفان الاقصی و شکست نظامی و اطلاعاتی رژیم جعلی اسرائیل است که مجهز به قویترین سلاح‌های نظام بین الملل است. فرض در این یادداشت بر این است آنچه که سبب بازدارندگی و ایجاد عملیات درباره دشمن می شود، توان نظامی و بازدارندگی است. نیروهای مقاومت فلسطین، امروز تبدیل به یک دشمن بالفعل برای رژیم اسرائیل شده اند که موجودیت و بقای آن را مورد تهدید قرار میدهند؛ حماس و نیروهای مقاومت، با استفاده از موشکها و راکدهای خود نه تنها سرویس اطلاعاتی و نظامی رژیم اسرائیل را شکست دادند بلکه در مرحله ای بالاتر، به غرب و متحدان آن ضربه زدند. طوفان الاقصی بار دیگر فلسطین را بر صدر مسائل جهان اسلام و همچنین مسائل جهان بین الملل آورده است. امروز دیگر بر همه مردم جهان روشن شده است که اسرائیل، رژیمی اشغالگر و ظالم است. این عملیات فارغ از تمام نتایجی که داشته است و خواهد داشت، سبب انزوای رژیم اسرائیل و به بن بست رسیدن آن شده است. امروز دیگر اسرائیل حتی برای متحدان اروپایی و آمریکایی خود هم ایجاد هزینه کرده است و به تعبیری در اذهان عمومی، در حالت نه مرگ و نه زندگی قرار دارد و همچنان در حال دست و پا زدن است تا حیثیت از دست رفته خود را ترمیم کند که این امر محال است و این تلاشها بیشتر سبب غرق شدن آن میشود. عملیات طوفان الاقصی سبب شد نه تنها امنیت رژیم اسرائیل به خطر بیفتد بلکه کشورهای خودباخته‌ای که اکنون دل در گرو عادیسازی روابط و ایجاد ائتلافهای نظامی با این رژیم را هم داشتند، این رویا را برای همیشه فراموش کنند.

مقدمه

در این یادداشت به عنوان نمونه‌های از جاهطلبی و طمع قدرتهای فرامنطقه در غرب آسیا یاد شده است، اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیستها است که به مرور زمان و با حمایت قدرتهای بزرگ و با استفاده از تجهیزات نظامی به روز و قوی، توانستند فلسطین را به اشغال خود درآورند. در مقابل نیز، مردم مظلوم و بی دفاع فلسطین تا به امروز سه انتفاضه را به انجام رساندند؛ انتفاضه اول فلسطینیان از سال ۱۹۸۷ میلادی شروع شد و در سال ۱۹۹۳ با توافقنامه اسلوه به پایان رسید؛ انتفاضه الاقصی (انتفاضه دوم فلسطین) در ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰ آغاز شد و تا سال ۲۰۰۵ ادامه داشت و انتفاضه قدس (انتفاضه سوم فلسطین) نیز در اول اکتبر سال ۲۰۱۵ آغاز شد.

در تعریف انتفاضه میشود گفت که انتفاضه یا انقلاب سنگ، جنبش نوین ضد صهیونیستی است که با بهره‌گیری از کم-ترین امکانات، در پی نیل به هدفی بزرگ (آزادسازی فلسطین) برپا شد. انتفاضه شکلی از اشکال اعتراض غیرارادی مردم فلسطین علیه اوضاع نابسامان مردم فلسطین در اردوگاه‌ها، افزایش بیکاری، تبعیض نژادی و سرکوب روزانه مردم فلسطین به دست رژیم صهیونیستی است.

فلسطین، ققنوس جهان اسلام

با گذشت زمان و ثروتهای بادآورده کشورهای عربی که از راه فروش نفت به دست آمده بود و شروع نوسازیه‌ها و ارتباط بیشتر این کشورها با جهان غرب، به‌ویژه عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر فلسطین، مسئله قدس و بازپسگیری آن، دیگر در صدر سیاست خارجی کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس نبود.

در ابتدا لازم است تعریفی از موازنه قدرت را برای روشن شدن مسئله ارائه دهیم. بنا بر تعریف برخی محققان، موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌ها است؛ بدین معنا که آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و برهم‌زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن‌کننده، مبادرت می‌ورزند و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند. امروزه کشورها در محیط بین‌المللی، توانایی ایجاد روابطی را دارند که اساس آن، بر نظریه موازنه قدرت استوار شده است که نمونه‌های از موازنه قدرت را میشود اصل بازدارندگی نام برد.

زمانی یک سرزمین توان حفاظت از خود را دارد که به بازدارندگی حداقلی برای دفاع از خود رسیده باشد و انجام هرگونه ائتلاف نظامی درباره خود را برای طرف مقابل، با هزینه‌های زیادی روبه‌رو کند.

در محیط بین‌الملل کنونی، آنچه سبب قوام و تضمین اراده دولتها برای انجام و اجرای معاهدات و روابط چندجانبه می‌شود، اصل بازدارندگی است. این نظریه برخلاف نظریه‌های حکومت واحد جهانی، امنیت دسته‌جمعی یا خلع سلاح کامل برای رسیدن به صلح در نظام بین‌الملل که توسط ایده‌آلیستها مطرح میشود، بر اصل قدرت استوار است که نمونه‌های از قدرت را میشود توان نظامی دولتها دانست.

مروری به انتفاضه‌های مردم مظلوم فلسطین

منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) به دلیل داشتن موقعیتهای ژئوپلیتیکی و منابع انرژی، همیشه صحنه حضور قدرتهای فرامنطقه بوده است و ما شاهد دولتهای وابسته در این منطقه هستیم که این امر سبب استمرار جنگها و عدم ثبات در این منطقه شده است. آنچه



ارائیل است. اکنون از راه عادی سازی روابط و حتی گاهی وقتها تنشزدایی با کشورهای همسایه خود، این امر را که حماس و نیروهای مقاومت فلسطینی را برای همیشه نابود کند، در سیاست خود در نظر داشت.

۲- کابینه کنونی رژیم صهیونیستی، تندروترین و افراطی‌ترین کابینه در طول موجودیت این رژیم بوده است که ادعا دارد سرنوشت بسیاری از پرونده‌هایی که کابینه‌های قبل درباره درگیری با فلسطینیان، توانایی نهایی کردن آن را نداشتند را نهایی خواهد کرد. این کابینه برنامه‌های یهودی سازی و اخراج فلسطینیان و تجاوز نظامی در تمامی اشکال خود و شدیدترین راهکارهای نژادپرستانه را ضد فلسطینیان دنبال کرده‌اند.

رهبرانقلاب، روز ۱۸ مهرماه در واکنش به وقایع ۱۵ مهر فلسطین اشغالی فرمودند: در این قضیه پانزدهم مهر به این طرف، رژیم غاصب صهیونیستی هم از نظر

رژیم اشغالگر که حالا روابط پنهان و آشکار را با کشورهای عربی برقرار کرده است، از این مسئله اطمینان به دست آورده بود که هرگونه سیاستی که در غزه و مناطق مسلمان‌نشین فلسطین اعمال کند، واکنشی از کشورهایی که روزی دغدغه فلسطین، ناسیونالیسم عربی و اتحاد جهان عرب داشتند را نخواهد داشت.

شاید بتوان دو دلیل را شروعی بر عملیات طوفان الاقصی دانست:

۱- اکنون که عادی سازی روابط با کشورهای عربی برای رژیم اشغالگر قدس، به هدف غائی تبدیل شده است که از این راه، ایران را در محاصره ژئوپلیتیکی قرار دهد و راه را برای اشغالگری بیشتر خود فراهم کند؛ چرا که وجود حماس که دشمنی بالقوه برای اسرائیل است، اکنون در دل این رژیم قرار دارد و این مسئله همیشه نقطه هشداردهنده برای ثبات و امنیت

دادند. وعده‌ای که حتی سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده ایرانی حاضر در نبرد حزب‌الله با ارتش رژیم صهیونیستی، تصویری از آن متصور نبود! پایگاه خبری «عربی ۲۱»، در این باره مطرح می‌کند: «با عملیات «طوفان الاقصی»، ناامیدی رخت برپست و دروازه‌های تاریخ گشوده شد. تا پیش از این گفته می‌شد مسئله فلسطین دچار «انسداد تاریخی» شده است و جهانیان از جمله کشورهای عربی از آن عبور کرده‌اند و عملاً به هم پیمان اسرائیل تبدیل شده‌اند. **طبل تو خالی گنبد آهنین بر زمین افتاد!**

عملیات طوفان الاقصی، مسئله بازدارندگی اسرائیل را به شدت شکننده کرد و اسرائیل با یک موضوع ویژه پس از این روبه‌رو است که موجودیت آن را به شدت تهدید می‌کند. از سوی دیگر، باتوجه به اینکه رژیم صهیونیستی یک موجودیت جعلی است که با ملتسازی سعی کرد

نظامی هم از نظر اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده است؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به «غیر قابل ترمیم بودن» است. من می‌گویم این زلزله ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدید بنای آن سازه‌ها، به این آسانی امکان پذیر نیست. بعید است که رژیم غاصب صهیونیستی با همه‌های وهویی که می‌کند، با همه حمایت‌هایی که امروز در دنیا از سوی غربی‌ها از او می‌شود، بتواند آن سازه‌ها را ترمیم کند. من عرض می‌کنم از شنبه پانزدهم مهر، رژیم صهیونیستی [دیگر] رژیم صهیونیستی قبلی نیست و ضربه‌ای که خورده است، به این آسانی قابل جبران نیست. تجربه نشان داده که تحلیل هندسه ذهنی رهبرانقلاب، در میانه وقایع، آسان نیست. مصداق آن، جنگ ۳۳ روزه است. ایشان در لحظه‌ای که پیروزی حزب‌الله بر ماشین جنگی رژیم، قابل تصور نبود، وعده پیروزی





سرکوب پدافند هوایی، وسایل حمله هوایی به گونه‌ای شدید، این بازدارندگی در پروژه ملتسازی با استفاده از حضور یهودیان دنیا در سرزمین‌های اشغالی نیز با مشکل جدی روبرو شده است. عملیات طوفان الاقصی هیمنه اسرائیل که از جنگ شش روزه قوت گرفته بود را به شدت شکست. فلسطینیان در این عملیات توانستند بیش از ۲۰ شهرک مسکونی اسرائیل را هدف قرار دهند و تا عمق ۱۵ مایلی اسرائیل پیشروی کنند و عمق استراتژیک گروه‌های فلسطینی، با این عملیات به شدت افزایش یافت.

پایان تل آویو!

امروز در سراسر جهان، شاهد اعتراضات خیابانی، با جمعیت‌های چندصد هزار نفری و گاهی بیشتر هستیم؛ جالب آنکه، بسیاری از این تجمعات نیز در کشورهایی برگزار میشود که دولتهای آنها، حامی اصلی رژیم اشغالگر فلسطین هستند. اکنون دیگر برای

خود را به جامعه جهانی تحمیل کند، با شکنندگی شدید، این بازدارندگی در پروژه ملتسازی با استفاده از حضور یهودیان دنیا در سرزمین‌های اشغالی نیز با مشکل جدی روبرو شده است.

عملیات طوفان الاقصی هیمنه اسرائیل که از جنگ شش روزه قوت گرفته بود را به شدت شکست. فلسطینیان در این عملیات توانستند بیش از ۲۰ شهرک مسکونی اسرائیل را هدف قرار دهند و تا عمق ۱۵ مایلی اسرائیل پیشروی کنند و عمق استراتژیک گروه‌های فلسطینی، با این عملیات به شدت افزایش یافت.

الکسی لئونکوف، کارشناس نظامی روس، در این باره معتقد است: «حماس به دقت توانمندی‌های پدافند هوایی اسرائیل را محاسبه کرده است و سامانه‌های موشکی ضد هوایی گنبد آهنین اسرائیل را با تعداد موشک‌های شلیک شده، سردرگم کرده است. برای

بسیاری از مردم جهان با هردین و آیینی، جنایات این رژیم منفور، روشن شده است و این مسئله سبب بسیج افکار عمومی جهان علیه رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی در طول تأسیس جنایت‌کارانه خود، با توسل به حمایت قاطعی که دولت‌های استکباری از آنها داشتند و با بهره‌گیری از بازوی گسترده رسانهای، سعی میکردند یک چهره مظلوم و مورد ستم واقع شده به افکار عمومی جهان مخایره کنند و در این دوره از جنگ هم صهیونیستها با حداکثر توان، از این دو اهرم فشار بهره گرفتند؛ به طوری که سران کشورهای استکباری یکی پس از دیگری به سرزمینهای اشغالی سفر کردند تا به نوعی حمایت خود را اعلام کنند و بارها در سازمان ملل، هرگونه قطعنامه‌های را که علیه این رژیم بود «وتو» کردند و تا امروز مانع برقراری هرگونه آتشبسی در نوار غزه شده‌اند.

سپررسانهای و تبلیغاتی هم دو اقدام مهم را هم‌زمان پیش برد؛ نخست اخبار جنگ را یکسویه منتشر

کردند و همچنین هرگونه خبر و اطلاعاتی را که از نوار غزه منتشر شد، آگاهانه سانسور کردند. این حمایت همهجانبه سبب شده است که رژیم صهیونیستی، عقوبتی برای هر جنایتی که انجام میدهد، نبیند. به همین سبب، دو حرکت حماقت بار مرتکب شد؛ اولین حرکت، تولید اخبار جعلی بود که اوج این، جعل واقعیت انتشار خبر سراسر دروغ «سربریدن ۴۰ کودک اسرائیلی از سوی حماس» بود و دوم استفاده از سلاحهای ممنوع مانند بمبهای فسفری و خوشهای و هدف قرار دادن «بیمارستان المعمدانی» بود.

این حجم از وحشیگری و جعل واقعیت سبب شد که افکار عمومی جهان نسبت به وقایع فلسطین حساستر شود و در پی واقعیت‌های جنگ باشد که نتیجه آن، برپایی تظاهرات گسترده مردم در سراسر جهان علیه صهیونیستها شد که ترمیم این مسئله بیتردید غیرممکن است.

